

بررسی مقاله «صوم» از دایرةالمعارف اسلام

نویسنده: سی. سی. برگ (C. C. Berg)

سید محمد موسوی مقدم - (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - پردیس قم)
محمود ذوقی - (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانئ اسلامی دانشگاه قم)

چکیده

مقاله «صوم» ترجمه مقاله انگلیسی «Sawm» نوشته C. C. Berg از دایره المعارف اسلام لایدن، جلد ۹، صفحه ۹۴-۹۵ می باشد.

صوم یا روزه یکی از ارکان دین مبین اسلام است که از جایگاه والایی در میان تعالیم اسلامی اعم از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام برخوردار است. خاورشناسان نیز در پژوهش های خود در باب معارف قرآن و اسلام به این موضوع مهم توجه و اهتمام ورزیده اند. مقاله «صوم» ترجمه مقاله انگلیسی «Sawm» نوشته سی. سی. برگ (C.C.Berg) از دایرةالمعارف اسلام لایدن (The Encyclopaedia of Islam)، جلد ۹، صفحه ۹۴-۹۵ می باشد.

مؤلف مقاله ابتدا به مفهوم شناسی واژه «صوم» پرداخته و خاستگاه آن را به پیش از اسلام رسانده و تصور می کند که معنای «صوم» از عرفی یهودی - آرامی و سریانی گرفته شده است. سپس آیات الاحکامی را که به موضوع روزه و احکام و قوانین مترتب بر آن را مانند ویژگی های صائم، شرایط روزه صحیح، مفطرات روزه، روزه واجب و مستحب و احکام آن، و کفاره روزه پرداخته است ذکر کرده و مورد بررسی و مذاقه قرار داده است. در آخر، مفهوم روزه را در لسان روایات و به لحاظ اخلاقی بیان می نماید.

اما مهمترین نقدهایی را که به مقاله «صوم» و دیدگاه های مطرح در آن وارد است، می توان موارد زیر برشمرد: مفهوم شناسی «صوم»؛ خاستگاه روزه و اینکه از عرفی یهودی - آرامی و سریانی گرفته شده است یا خیر؛ شرایط وجوب روزه؛ اقسام کفاره؛ احکام روزه در خصوص سالخوردگان، زنان باردار و شیرده، و بیماران؛ نیت روزه مستحبی و واجب؛ استجباب یا حرمت روزه در ایامی خاص؛ موارد روزه مکروه؛ احکام روزه مسافر؛ مفطرات روزه؛ و شایان ذکر است که نقد و بررسی این مقاله بر طبق نظر فقهای برجسته شیعه انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: صوم، روزه رمضان، فقه شیعه.

۱. ترجمه مقاله

«صوم» و «صیام» واژگانی عربی و مشتق از ریشه «ص و م» هستند. این دو اصطلاح بدون تمایز از هم به کار رفته‌اند. معنای اصلی و اولیه واژه «صوم» در زبان عربی، «بی حرکت و در حال سکون بودن» است^[۱] (تئودور، نولدکه، Neue Beitrage Zur sem. Sprachw، استراسبورگ ۱۹۱۰م، ص ۳۶، پاورقی ۳؛ قبلش نک: اس، فرانکل، De Vocab. ... in Corano peregrinis، لایدن ۱۸۸۰م، ص ۲۰، واژه «quiescere»). این معنای روزه ممکن است از عرف و عاداتی یهودی - آرامی و سریانی گرفته شده باشد؛ زیرا محمد [ص] با تشریع روزه در مدینه بهتر آشنا شد. چنین مفهومی از این واژه در سوره‌های مدنی به دست می‌آید.^[۲]

۱. خاستگاه روزه

روزه پیش از زمان محمد [ﷺ] در مکه عملی ناشناخته و بی سابقه نبود که نتوان سابقه‌ای برای آن فرض نمود.^[۳] چرا نبایستی حنفاء [نک: مدخل «حنیف»] نیز این آیین دینی را به کار برده باشند؟ در سوره‌های مکی، چنانکه ذکر شد، در آیه ۲۶ سوره ۱۹ (مریم) اشاره‌ای به صوم وجود دارد: ندایی به مریم [علیها السلام] فرمان می‌دهد که بگوید: «من برای خدای رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام؛ از این رو، امروز با هیچ کس حرف نمی‌زنم». حفظ و رعایت سکوت به عنوان یک عمل روزه‌داری مسیحی (قس: افراهاط، ویرایش پریسوت، در مجله Patrol Syriaca، سال اول، ۹۷) ممکن است برای محمد [ﷺ] شناخته شده بوده باشد. طبق سنت واحد و معتبر اسلامی، در سال ۲ هـ/ ۶۲۳-۶۲۴ م (قس: ای. جی. ونسینک، محمد [ﷺ] و یهود در مدینه، لایدن، ۱۹۰۸م، ۱۳۶-۱۳۷، با مثلاً ای. اسپرنگر، زندگی و اعتقاد محمد [ﷺ]، ۵۳/۳-۵۹) با نزول آیات ۱۷۹-۱۸۱ سوره ۲ (بقره) و تشریع روزه ماه رمضان، روزه روز عاشورا به عنوان یک تکلیف نسخ شد.^[۴] در باب این مسئله که چرا محمد [ﷺ] این ماه خاص را انتخاب نمود، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است.^[۵] معقول‌ترین آنها دیدگاه ای. جی. ونسینک است که به ماهیت، به ویژه مقدس، ماه رمضان حتی در دوره پیش از اسلام توجه داده است (در خصوص «لیلہ القدر»، نک: مقاله «سال جدید عربی و جشن عشای ربّانی» در مجله «Verh. Ak. W. Amst.»، دوره جدیدش

[۱۹۲۵م]، سال ۲۵ / ش ۲، ۱-۱۳؛ همچنین نک: ام. ث. هوتسما، «Over de Israelitische Vastendagen» در مجله «Versl. en Med. Ak. Wetensch.»، افد لترک، دوره ۴، [آمستردام ۱۸۹۸م]، ۳/۲ به بعد).

نخستین احکام و قوانین در باب نحوه روزه مسلمانان در آیات ۱۸۳-۱۸۵ سوره ۲ (بقره) ارائه شده است، که احتمالاً مرتبط به یکدیگرند (نولد که - شوالی، ۱۷۸، در مقابل ث، دبلیو، یوین بول، کتاب مرجع قانون اسلامی، لایدن - لایپزیگ ۱۹۱۰م، ۱۱۴، که آیه ۱۸۵ را وحیی مستقل در نظر می گیرد؛ بیضاوی هم می انگارد که آن آیه در بخشهای جداگانه نازل شده است). روزه همچنین در جاهای دیگر قرآن در سوره ۲ (بقره)، آیه ۱۹۶؛ سوره ۴ (نساء)، آیه ۹۲؛ سوره ۵ (مائده)، آیه ۸۹، ۹۵؛ سوره ۵۸ (مجادله)، آیه ۴ ذکر شده است. «صائم» نیز در سوره ۳۳ (احزاب)، آیه ۳۵ به کار رفته است که مسلمان مؤمن را همراه با دیگر صفاتش توصیف می کند، در حالی که در سوره ۲ (بقره)، آیه ۴۵ و ۱۵۳، «صبر» [نک: این مدخل] به عنوان «صوم» شرح و تفسیر شده است. احکام و دستورات آیات ۱۷۹-۱۸۱ و ۱۸۳ سوره ۲ (بقره) از نظر فقهاء پایه و اساس این حکم و قانون مشروح را شکل داده اند؛ جزئیات بیشتر از سنت گرفته شده است. آنچه در اینجا می آید، خلاصه ای است از حکم و قانون روزه طبق مکتب شافعی، چنانچه در رساله ابوشجاع اصفهانی (قرن ۵ هـ / ۱۱م)، با عنوان «المختصر فی الفقه» موجود است.

چگونه باید روزه گرفت و بر چه کسی واجب است روزه بگیرد؟ روزه از نظر فقهی [عملی است عبادی] با نیتی خاص و امساک و پرهیز از چیزهایی (مفطراتی) است که روزه را می شکند.^[۶] صائم باید مسلمان و عاقل باشد، و اگر زن بود، عاری از حیض و خونریزی رحم باشد. روزه تحت این شرایط صحیح است. روزه بر هر کسی که بالغ باشد واجب است به شرطی که به لحاظ جسمی قادر به انجام آن باشد.^[۷] فرد باید قبل از سپیده دم هر روز از ماه رمضان نیت کند. با وجود این، طبق قاعده تلفیق، پیروان مذهب شافعی می توانند از مذهب مالکی پیروی کنند. که به فرد اجازه می دهد که برای کل ماه رمضان نیت کند.^[۸]

«مفطرات» با ورود اجسام مادی به بدن تعریف می شوند؛ یعنی آنها در اصل مادی هستند و بتوان مانع ورود آنها به بدن شد. برای تحقق افطار، صائم باید عمد، علم^[۹] و اختیار داشته باشد (بخاری، صوم، باب ۲۶ و ایمان، باب ۱۵؛ مسلم، صیام، ص ۱۷۱، از ترجمه کتاب).

مستحب است که صائم: فطور را (یعنی غذایی که نشانگر پایان روزه است) به مجرد اطمینانش از غروب خورشید بخورد،^[۱۰] و سحور را (یعنی غذایی که بعد از نیمه شب خورده می‌شود) به هنگام سحر بخورد. از حرف‌های زشت و ناپسند و تهمت‌ها و افتراءات پرهیز کند؛ از اعمالی که شهوت خود یا دیگران را برمی‌انگیزد، دوری کند؛ برای خود یا دیگران قرآن تلاوت کند؛ و در طول ماه رمضان اعتکاف [نک: این مدخل] کند. غزالی به این موارد احسان و نیکوکاری به دیگران را نیز اضافه کرده است.

۲. روزه واجب

روزه در ماه رمضان چهارمین رکن دین اسلام است؛^[۱۱] بنابراین هر کسی که وجوب روزه را منکر شود کافر است، به استثنای نوکیشان جدید و کسانی که در تماس با علما نبوده‌اند. هر که روزه را بدون دلیل و عذر شرعی ترک کند - هرچند بدون انکار وجوب روزه - باید زندانی گردد.^[۱۲] وجوب عمومی روزه (علی سبیل العموم) از یکم ماه رمضان و پس از ۳۰ شعبان شروع می‌شود، یا پس از ۲۹ شعبان در صورتی که حاکم (قاضی) در آن هنگام شهادت فرد عادل^[۱۳] را که هلال ماه را دیده است، بپذیرد. شروع ماه رمضان ممکن است با آداب و رسوم محلی به مردم اعلام گردد (با پرتاب توپ، با آویختن لامپ‌ها از مناره، و در منطقه جاوه با کوبیدن بر طبل). روزه‌هایی که از ماه رمضان ترک شده باید به محض اینکه امکانش باشد قضا شود،^[۱۴] اما نه در یکی از روزهای حرام یا در روزی که خودش یک روزه واجب است.

بین کفاره جمع و بعضی فرق قائل شده‌اند.^[۱۵] کفاره جمع بر کسی واجب است که:

الف) روزه خود را در ماه رمضان با آمیزش جنسی (جماع) بشکند؛^[۱۶]

ب) به قتل غیرمجاز متهم باشد [نک: مدخل «قتل»]؛^[۱۷]

ج) صیغه «ظهار» را جاری کرده باشد، اما فوراً پس از آن طلاق نگرفته باشد؛^[۱۸]

د) سوگندی صحیح و معتبر را شکسته باشد [نک: مدخل «قسم»].^[۱۹]

کفاره بعضی یا فدیة^[۲۰] باید پرداخت شود آن هنگامی که فرد از یکی از معافیت‌های روزه بهره‌مند می‌گردد. [برای پرهیز از طولانی شدن بحث جزئیات] این مسأله مطرح نمی‌شود.

در صورت خشکسالی گسترده، امام و پیشوای جامعه ممکن است مطابق شریعت، آداب و رسوم عجیب و فوق العاده‌ای را پیشنهاد کند که شامل روزه هم می‌شود؛ [مثلاً] سه روز پیش از نماز استسقاء [نک: مدخل «استسقاء» و باجوری، «کتاب احکام الصلاه، فصل فی احکام صلاه الاستسقاء»] روزه گرفته می‌شود.

حکم روزه در شرایط زیر تخفیف می‌یابد:

الف) فرد به سن معین و خاصی رسیده باشد (مردان ۴۰ سالگی؛ برای زنان دقیقاً معین نشده است)^[۲۱] و افراد بیماری که امید بهبودی ندارند، اگر قادر به روزه گرفتن نیستند، می‌توانند روزه را بدون قضای آن ترک کنند^[۲۲] و برای کفاره روزه‌هایشان باید به اندازه یک مدّ [طعام] برای هر روزی که ترک کرده‌اند، صدقه بدهند.

ب) اگر زنان باردار^[۲۳] یا شیرده^[۲۴] برسند که روزه برای آنها خطرناک است، افطار بر آنها واجب است، اما باید قضایش را به جای آورند.

ج) افراد بیماری که امید بهبودی دارند و آنهایی که ممکن است از فرط گرسنگی و تشنگی از پای در آیند، می‌توانند روزه خود را افطار کنند مشروط بر اینکه قضایش را به جای آورند.^[۲۵] اگر فردی در معرض خطر مرگ یا نقص عضو باشد، افطار روزه واجب است.

د) مسافرانی که پیش از طلوع آفتاب راه می‌افتند، در صورت لزوم، می‌توانند روزه خود را افطار کنند، اگر سفر خود را در طول روز شروع نکرده باشند.^[۲۶]

و) آنهایی که مجبورند کار فیزیکی سخت و سنگین انجام دهند باید در شب نیت کنند، اما در صورت لزوم، می‌توانند روزه خود را افطار کنند.^[۲۷]

هنگامی که عذر موجه برای تخفیف احکام و قوانین روزه از بین برود، مستحب است که باقی روزه آن روز گرفته شود.

۳. روزه مستحب (صوم التطوع)

این روزه در زمره آنچه مستحب است (مندوب الیه) قرار می‌گیرد. یک زن فقط با رضایت شوهرش می‌تواند روزه مستحبی بگیرد.^[۲۸] روزه مستحبی را می‌توان بدون هیچ کیفر و مجازاتی داشته باشد، افطار کرد.^[۲۹] حداکثر تا ظهر می‌توان نیت نمود^[۳۰] و نیازی نیست که آشکارا بیان شود؛ هرچند برخی از فقهاء آن را در شرایط خاص مستحب می‌دانند.

بر هر کسی که واجب است سه روز در طول حج و هفت روز پس از آن روزه بگیرد (به عنوان بدل [از قربانی])، مستحب است که ۷، ۸ و ۹ ذی الحجه را به عنوان این سه روز انتخاب نماید.^[۳۱]

برای ۶ روز روزه مستحبی در ماه شوال، بهتر است که ۶ روز متوالی بلافاصله پس از عید، یعنی ۲ تا ۷ شوال انتخاب گردد [نک: یوین بول، کتاب مرجع قانون اسلامی، ۱۳۲].^[۳۲]

روزهایی که در زیر می آید، برای روزه مستحبی بیشتر سفارش شده است؛ روز قبل و پس از روز عاشورا؛^[۳۳] یوم المعراج (۲۷ رجب)،^[۳۴] دوشنبه و پنجشنبه (سنه معقده، طبق نظر باجوری)، [یعنی] روزهایی که اعمال انسان‌ها به درگاه الهی عرضه می گردد،^[۳۵] و دیگر روزهایی که به عنوان روزهای عادی محسوب می گردند.

در روزهای دو عید بزرگ، در ایام تشریق^[۳۶] و برای زن در طول حیض و عادت ماهانه اش روزه گرفتن حرام است.^[۳۷] همچنین در شرایط خاصی که خطر، جان روزه‌دار را تهدید می کند^[۳۸] - چنانچه قبلاً ذکر شد -^[۳۹] روزه، گرفتن حرام است.

روزه گرفتن در روز جمعه مکروه است؛ زیرا توجه [انسان] را از عبادت و نیایش روز جمعه باز می دارد،^[۴۰] و در روز شنبه یا یکشنبه^[۴۱] نیز مکروه است حداقل اگر فرد عذر خاصی برای روزه گرفتن ندارد، زیرا مسیحیان و یهودیان این روزها را به عنوان «ایام متبرکه» در نظر می گیرند.

سه مذهب فقهی دیگر [اهل سنت] فقط در مسائل جزئی با مذهب شافعی اختلاف دارند که بر شمردن آنها خسته کننده خواهد بود [نک: عبدالوهاب شعرانی، کتاب المیزان، قاهره ۱۲۷۹ هـ / ۱۸۶۲-۱۸۶۳ م، ۲/۲۰-۳۰].

احکام و دستورات شیعی در برخی مسائل جزئی با احکام سنی اختلاف دارند، که موارد زیر برخی از نمونه‌های آن است (نک: ای، کوثری، مجموعه احکام و قوانین برای شیعیان، پاریس ۱۸۷۱-۱۸۷۲ م، ۱/ ۱۸۲-۲۰۹؛ ۲/ ۷۵-۷۷ و ۱۹۷-۱۹۹ و ۲۰۳-۲۰۵، پیرو نجم الدین محقق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام): نیت به عنوان یک رکن در نظر گرفته نمی شود؛^[۴۲] سیگار کشیدن به عنوان یکی از مفطرات روزه محسوب نمی شود؛^[۴۳] سب و توهین به امامان شیعه حرام است؛ مرد و زنی که در حال روزه در [ماه] رمضان رابطه جنسی داشته‌اند باید به خاطر نخستین بار ارتکاب جرم حد و شلاق بخورند و با اصرار بر انجام آن به کیفر مرگ محکوم شوند.^[۴۴]

با توجه به این تخفیفها، روزه بر فرد بیمار واجب نیست^[۴۵] مگر اینکه با اجازه پزشک باشد؛^[۴۶] معافیت از روزه تنها به زنان باردار داده شده است آن هم مشروط بر اینکه در آخرین مرحله دوران بارداری باشند؛^[۴۷] روزه به طور کلی بر انسان مسافر واجب نیست، اما قضایش را باید بگیرد.^[۴۸]

روزه مستحبی را می‌توان پیش از ظهر آغاز نمود.^[۴۹] شیعه به این روزه‌های مستحبی از نظر اهل سنت، ایام مهم ذیل را نیز می‌افزاید: غدیر خم، مباهله، سالروز شهادت [امام] حسین علیه السلام [در دهم محرم (نک: کوثری، op. cit.، ص ۳۷، یادداشت‌ها).^[۵۰]

غزالی در آغاز «فصل اسرار الصوم» از کتاب «احیاء علوم الدین»، برخی مسائل را در باب اهمیت روزه بیان می‌کند. وی با اشاره به برخی احادیث مشهور، قدر و منزلت خاصی را که روزه نزد خداوند دارد، خاطر نشان می‌سازد. در نظر او روزه عملی پوشیده و ناپیداست و هیچ کسی جز خدا افراد را در حال روزه نمی‌بیند. دیگر اینکه روزه راهی برای پیروز شدن بر دشمن خداست؛ زیرا هواهای نفسانی بشر که ابزار شیطان برای رسیدن به اهدافش می‌باشد، با خوردن و آشامیدن برانگیخته می‌شود. بنابراین، روزه «دروازه و راه رسیدن به بندگی خدا» است.

غزالی پس از برشمردن احکام و قوانین راجع به روزه، به سبک و شیوه یک فقیه، اعلان می‌دارد که این احکام مشتمل بر آنچه لازم و ضروری است، نمی‌شود. وی سه درجه یا مرتبه را برای روزه باز می‌شناسد.^[۵۱] مرتبه اول مرتبه فقهاست، مرتبه سوم مرتبه انبیاء، صدیقان و آنانی که به جوار قرب [الهی] آورده شده‌اند (المقربون) می‌باشد که روزه‌شان آنان را از همه امیال و خواسته‌های مادی و دنیوی دور می‌سازد. اما مرتبه دوم متعلق به مؤمنان است؛ این مرحله مبتنی است بر حفظ و نگهداری حواس و اعضای بدن از گناه و از همه چیزهایی که انسان را نزد خدا خوار و حقیر می‌نماید. سرکوبی امیال و هواهای نفسانی، هدف حقیقی روزه است، نه امساک و خویشتن داری صرف.

مفهوم اخلاقی روزه که غزالی در فصل دوم کتابش بیان می‌کند، حکم بی‌ثمر فقهاء را تکمیل می‌کند. در احادیث روایات مختلفی با گرایشات اخلاقی یافت می‌شود و غزالی آنها را در دفاع از عقیده‌اش نقل می‌نماید. بسیاری از روایات روزه که طبق ابعاد مختلف

این موضوع دسته بندی شده‌اند، در کتاب «مرجع سنت اولیه محمدی» ونسینک، ۷۶-۷۱، ذیل عنوان «روزه» و «روزه داری» یافت می‌شود.

امروزه شایع‌ترین دیدگاه این است که روزه، به ویژه در ماه رمضان، به بهترین نحو به گناهان ارتكابی انسان در طول سال پایان می‌دهد. این بدان دلیل است که حکم روزه هنوز به طور کامل و با جدیت تمام عمل می‌شود.^[۵۲]

۲. نقد و بررسی مقاله

[۱] «صوم» در لغت همان گونه که در کتاب مصباح‌المنیر و صحاح به آن تصریح شده به معنای امساک است. البته در صحاح «صوم» به معنای امساک از طعام (جوهری، الصحاح، ۱۹۷۰/۵) معنی شده، در حالی که در مصباح‌المنیر «صوم» به معنای مطلق امساک (فیومی، المصباح‌المنیر، ۲/ ۳۵۲) آمده است. اما در معجم مقاییس اللغة «صوم» به معنای امساک و راکد بودن در مکانی آمده است؛ لذا به توقف جریان باد یا توقف خورشید در وسط آسمان هنگام ظهر «صوم» اطلاق می‌شود (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۳/ ۳۲۳). راغب اصفهانی در مفردات می‌نویسد:

«صوم در اصل به معنای امساک و خودداری از انجام فعل است، خواه آن فعل خوردن طعام یا سخن گفتن یا راه رفتن باشد» (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۵۰۰).

با توجه به بیان راغب اصفهانی که معنای لغوی «صوم» را فقط امساک دانست و بیان سید مصطفی خمینی در کتاب «صوم» که بعد از نقل کلام ابن‌درید که «صوم» را به معنای سکون دانسته، می‌نویسد: «این معنا صحیح نیست، مگر اینکه از آن معنایی اراده شود که در آن اقتضای حرکت وجود داشته، ولی حرکت نکرده است» (خمینی، سید مصطفی، کتاب الصوم، ۳) می‌توان گفت «صوم» در لغت تنها به معنای امساک است، ولی متعلق امساک می‌تواند مختلف باشد.

[۲] در منابع فقهی درباره اخذ روزه از عرف یهودی - آرامی مطلبی یافت نمی‌شود، اما این مطلب مسلم است که واژه «صوم» و سایر حقایق عبادی در آغاز اسلام شناخته شده بود و مردم با آنها عبادت می‌کردند؛ مانند نماز و حج، البته نه به عنوان حقیقت شرعی به این معنا که تمام آنچه در ماهیت آنها معتبر بود داخل در اسم و لفظ آنها باشد، و نه به معنای لغوی آن، یعنی اینکه بگوییم آنها مأمور به نماز، حج و روزه به معنای لغویشان یعنی دعا و

قصد و نیت بودند، بلکه بدین معنا که آنها مأمور به اصطلاحات اختراعی بودند که در زمان آنها حتی نزد غیر مسلمانان و مشرکان شناخته شده بود، و اسلام هم به همان اختراعات زمان آنها امر کرد و بعد قیود و شرایطی را بر آن افزود؛ مثلاً «صوم» در صدر اسلام تنها خودداری از خوردن و آشامیدن و نزدیکی کردن بود که بعد امور دیگری به آن افزوده شد (خمینی، سید مصطفی، کتاب الصوم، ۱۳۳).

[۳] با توجه به آیه شریفه ۱۸۳ سوره بقره که می‌فرماید: «روژه بر شما نوشته شد، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد» و برخی روایات (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۷۴/۲) که دلالت دارند که روزه از زمان حضرت آدم علیه السلام بوده است، گرچه حدود آن متفاوت بوده است (خمینی، سید مصطفی، کتاب الصوم، ۱۳)، می‌توان گفت که روزه در امت‌های قبل از اسلام وجود داشته است. پس قطعاً روزه در اسلام بی‌سابقه نیست و مردم مکه نیز آن را می‌شناختند، اما این نکته که کدام امت‌ها مأمور به روزه گرفتن بودند، قرآن آنها را نام نمی‌برد. این امر مفهوم این است که روزه یک تشریع الهی و همگانی در همه ادیان و شرایع است. ولی عده‌ای با استناد به برخی روایات ضعیف السند ادعا می‌کنند که مراد از امت‌های گذشته یهود و نصاری و انبیای گذشته‌اند (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ۸/۲).

[۴] با توجه به دیدگاه نویسنده که نزول آیات ۱۸۳-۱۸۵ سوره بقره را یکجا می‌داند، وی نمی‌تواند قائل به نسخ روزه عاشورا با روزه ماه رمضان باشد؛ چون معنای نسخ این است که آیه‌ای نازل شود و حکم آیه قبلی را بر دارد و لازمه این کلام، این است که آیه ۱۸۵ در زمان دیگری نازل شده باشد. افزون بر این، دیدگاه نسخ باطل است. علامه طباطبایی می‌نویسد:

«شهر رمضان» (صدر آیه ۱۸۵) بیان از «ایاماً معدودات» در آیه قبل است. پس مراد از چند روز معدود که باید روزه گرفت، روزه ماه رمضان است» (طباطبایی، المیزان، ۱۰/۲).

با توجه به این بیان، روزه واجبی غیر از ماه مبارک رمضان تشریع نشده تا نسخ شود. علامه در ادامه می‌نویسد:

«برخی از مفسران گفته‌اند که مراد از «ایاماً معدودات» سه روز از هر ماه و روزه روز عاشورا است. برخی دیگر گفته‌اند: مراد از سه روز ایام بیض از ماه و روزه روز عاشورا است که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان در آن روزها روزه می‌گرفتند. بعد «شهر رمضان» (آیه ۱۸۵) نازل شد و آن را نسخ کرد و روزه واجب بر روزه ماه رمضان مستقر شد» (طباطبایی، المیزان، ۱۰/۲).

وی در ادامه این اقوال را باطل دانسته و رد می‌کند.

[۵] مطابق آنچه از برخی روایات به دست می‌آید علت انتخاب ماه مبارک رمضان برای روزه به خاطر نزول قرآن، خبر دادن به حضرت محمد ﷺ - در تفسیر آن اختلاف است - و وجود شب قدر در این ماه است (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۰/۲۴۳). از آن گذشته، با توجه به صریح آیه شریفه ۱۸۵ سوره بقره که ماه مبارک رمضان را برای روزه واجب تعیین می‌کند، باید گفت که تعیین این ماه از جانب خداوند متعال بوده است و پیامبر ﷺ در تعیین آن نقشی نداشته است.

[۶] تعریف اصطلاحی روزه بر اساس مکتب فقهی شیعه این گونه است: «هو الکفّ عن المفطرات مع النیّة»؛ یعنی پرهیز و خودداری از مبطلات روزه همراه با نیت. (ر.ک: شهید ثانی، مسالک الافهام، ۶/۲). فخر رازی از علمای اهل سنت نیز روزه را این گونه تعریف کرده است: «روزه خودداری از مفطرات است از هنگام طلوع فجر تا غروب خورشید با علم به روزه و همراه با نیت» (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۵/۲۳۹).

[۷] در مورد روزه دو نوع شرط، معتبر و لازم می‌آید که در این مقاله با هم خلط شده است: الف) شرایط وجوب روزه که عبارت است از: ۱. بلوغ ۲. عقل ۳. نبود بیماری‌ای که موجب ضرر به روزه‌دار باشد ۴. خالی بودن از حیض و نفاس ۵. حضور (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۱۰۱/۲؛ طباطبایی، عروة الوثقی، ۲/۴۹).

ب) شرایط صحت روزه که عبارت است از: ۱. تمییز ۲. خالی بودن از حیض و نفاس ۳. اسلام و ایمان ۴. عقل و... (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۱۰۱/۲؛ طباطبایی، عروة الوثقی، ۲/۴۵). [۸] در فقه شیعه برای نیت روزه ماه رمضان سه دیدگاه وجود دارد و شخص روزه‌دار

می‌تواند هر گونه که بخواهد، روزه ماه رمضان را نیت کند؛ از این رو صائم:

۱. می‌تواند برای هر روز علی حده نیت کند.

۲. می‌تواند برای تمام ماه یک نیت کند.

۳. ابتدا برای روزه تمام ماه نیت کرده و سپس برای هر روز نیت را تجدید نماید (طباطبایی، عروة الوثقی، ۱۱/۲). بنابراین، نیازی به قاعده تلفیق نیست تا روزه‌دار طبق آن برای روزه ماه رمضان نیت کند. این امر نشان از عدم اطلاع کافی و وافی نویسنده، محترم به فقه اسلامی است.

[۹] شیعه علم به مفطر را شرط بطلان روزه نمی‌داند و مفطرات در صورتی باعث بطلان روزه می‌شوند که از روی عمد و اختیار واقع شده باشند و در بطلان روزه فرقی میان عالم و جاهل نیست (طباطبایی، عروة الوثقی، ۳۱/۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۹/۲). [۱۰] بنا بر نظر فقهای شیعه تأخیر افطار تا بعد از خواندن نماز مغرب مستحب است، مگر اینکه:

۱. شخص به خاطر گرسنگی آمادگی برای نماز را نداشته باشد.
 ۲. کسی منتظر روزه دار برای افطار باشد (نجفی، جواهر الکلام، ۳۸۴/۱۶).
- [۱۱] در منابع روایی شیعه احادیث متعددی در تأیید این مطلب یافت می‌شود. برای نمونه در جلد نخست وسائل الشیعه، (ابواب مقدمه عبادات، باب اول) چندین روایت وجود دارد که مضمون آنها ابتدای اسلام بر پنج چیز یعنی نماز، زکات، حج، روزه و ولایت است. ولی در منابع اهل سنت کلمه ولایت نیامده است. جلال الدین سیوطی می‌گوید: «بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی و بیهقی از پیامبر ﷺ نقل کردند که حضرت فرمود: «اسلام بر پنج پایه استوار است: شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد ﷺ، به پا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزه رمضان و حج» (سیوطی، الدر المنثور، ۱/۱۷۵).
- [۱۲] در فقه شیعه و در باب «صوم» در خصوص تازه مسلمان و مسلمانی که از مرکز بلاد اسلامی دور است، حکمی دیده نمی‌شود، ولی قانون کلی این است که اگر درباره فردی که روزه‌اش را افطار کرده احتمال شبهه‌ای وجود داشت، حد و تعزیر از وی ساقط می‌شود (طباطبایی، عروة الوثقی، ۶/۲). خلاصه در اینجا سه فرض مطرح است: ۱. فردی که منکر وجوب روزه است، حکم وی قتل است؛ ۲. فردی که وجوب روزه را پذیرفته ولی روزه‌خواری می‌کند، حکم وی تعزیر است؛ ۳. فردی که افطار کرده و در مورد وی احتمال شبهه وجود دارد، چیزی بر او نیست (خویی، المسند، فی شرح عروة الوثقی، ۱/۱۴).
- [۱۳] در پاسخ نویسنده باید گفت، بر مبنای فقه امامیه ماه مبارک رمضان بنا بر نظر اصح ثابت با شهادت یک نفر نمی‌شود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۵۲/۲؛ همو، الروضه البهیة، ۱۰۹/۲).
- [۱۴] از آن‌چه نویسنده مقاله آورده، فوریت قضای روزه واجب فهمیده می‌شود، در حالی که فوریت در قضای روزه واجب نیست (طباطبایی، عروة الوثقی، ۵۹/۲).

[۱۵] در اینجا به نظر می‌رسد میان اقسام کفارات و موارد آن‌ها و فدیة خلط شده است. در فقه شیعه کفاره دارای پنج قسم است که هر قسمی دارای موارد و مصادیقی خاص می‌باشد:

۱. کفاره معینه ← مثل برخی کفارات حج؛
۲. کفاره مرتبه ← مثل کفاره ظهار، کفاره قتل خطئی، کفاره افطار کردن قضای ماه رمضان بعد از زوال (اذان ظهر)؛

۳. کفاره مخیره ← کفاره ماه رمضان، کفاره نذر و عهد؛
۴. کفاره جمع بین ترتیب و تخیر ← کفاره یمین (قسم)؛
۵. کفاره جمع ← کفاره قتل عمدی و ظلمی مؤمن، کفاره افطار ماه رمضان با فعل حرام مثل ابطال روزه با خوردن شراب، نزدیکی با همسر در زمان عادت (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۳/ ۱۱-۱۳).

- [۱۶] نزدیکی اگر از راه حرام باشد مثلاً همسر وی در حال عدّه است یا نزدیکی از راه زنا، کفاره دارد، نه هر نوع جماعی (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۳/ ۱۱-۱۳؛ طباطبائی، عروة الوثقی، ۲/ ۶۴).
- [۱۷] بین کفاره قتل عمدی با کفاره قتل خطئی فرق است و فقط کفاره قتل عمدی کفاره جمع است (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۳/ ۱۱-۱۳؛ طباطبائی، عروة الوثقی، ۲/ ۶۴).
- [۱۸] کفاره ظهار مرتبه است، پس ظهار کفاره جمع ندارد (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۳/ ۱۱-۱۳؛ طباطبائی، عروة الوثقی، ۲/ ۶۴).

- [۱۹] کفاره یمین، کفاره جمع نیست، بلکه کفاره‌ای است که بین ترتیب و تخیر جمع شده است؛ به این صورت که شخص ابتدا مخیر است که بنده‌ای را آزاد کند یا ده مسکین را اطعام دهد یا ده فقیر را بپوشاند (تخیر) و اگر هیچ یک از این امور را نتوانست انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۳/ ۱۳).

- [۲۰] همان‌طور که بیان شد، نویسنده مقاله میان کفارات با فدیة به درستی تمییز قائل نشده است و در اینجا کفاره غیر جمع را که دارای اقسام و مواردی معین است با فدیة که مواردی دیگر دارد، مترادف گرفته است.

- [۲۱] این فرع در فقه شیعه از موارد مجوز افطار در ماه مبارک رمضان نمی‌باشد (طباطبائی، عروة الوثقی، ۲/ ۵۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲/ ۸۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۷/ ۱۳۳). بلکه مراد از شیخ و شیخه (پیر) کسی است که صحت مزاجش متوقف بر خوردن و آشامیدن در زمان‌های کوتاه و نزدیک به هم است (نجفی، جواهر الکلام، ۱۷/ ۱۵۰).

[۲۲] بیماری زمانی مجوز افطار روزه می‌شود که شخص بترسد که اگر روزه بگیرد، بیماریش افزایش یابد یا روزه موجب کند شدن سرعت بهبودی او شود. پس هر بیماری موجب افطار روزه نمی‌شود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۸۲/۲).

[۲۳] زنی که زمان وضع حملش نزدیک است، در صورتی که روزه برای فرزندش یا خودش ضرر داشته باشد می‌تواند افطار کند و بعد قضایش را به جای آورد و اگر روزه برای فرزندش (حملش) ضرر داشته باشد باید برای هر روز یک یا دو مُد طعام از مالش صدقه بدهد، ولی اگر روزه برای خودش ضرر داشته باشد، در مورد وجوب فدیة اختلاف نظر وجود دارد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۵۲/۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۸۶/۲).

[۲۴] زن شیرده در صورتی که شیرش کم باشد و روزه به وی یا به فرزندش ضرر برساند، می‌تواند افطار کند مشروط بر اینکه قضایش را بجای آورده و در مقابل هر روز یک یا دو مد طعام از مالش صدقه بدهد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۵۳/۲). بنابراین در مسئله روزه زن باردار و شیرده، وجوب افطار و انجام دادن قضای آن، آن گونه که نویسنده تصور کرده، اطلاق ندارد.

[۲۵] در فقه شیعه درباره اینکه گرسنگی می‌تواند مجوز افطار باشد، مطلبی وجود ندارد. در مورد تشنگی، شیعه می‌گوید: کسی که دارای بیماری تشنگی است (یعنی زود تشنه می‌شود) در صورتی که قدرت تحمل ندارد یا برای او مشقت دارد، می‌تواند افطار کند و واجب است یک مد طعام صدقه بدهد و در صورت بهبودی، قضا واجب می‌شود (طباطبایی، عروة الوثقی، ۵۲/۲، با اندکی تلخیص).

[۲۶] حکم روزه مسافر بنا بر نظر شیعه در ادامه می‌آید.

[۲۷] این مورد از موارد مجوز افطار روزه طبق نظر شیعه نیست (طباطبایی، عروة الوثقی، ۵۲/۲).

[۲۸] روزه مستحبی زن بدون اجازه شوهر یا با نهی شوهرش حرام است (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۰/۱۷).

[۲۹] روزه مستحبی را می‌توان هر زمانی از روز افطار کرد؛ ولی باطل کردن آن بعد از زوال - اذان ظهر - بدون دلیل مکروه می‌باشد و برخی اوقات باطل کردن روزه مستحبی، مستحب می‌باشد مثل شخصی که دعوت به طعام شده باشد (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۷۹/۲؛ طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۰/۲).

[۳۰] زمان نیت برای روزه مستحبی تا زمانی است که به اندازه نیت تا غروب وقت باقی باشد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۱۱ / ۲).

[۳۱] روزه بدل از قربانی از موارد روزه واجب است (طباطبایی، عروة الوثقی، ۵ / ۲) و ذکر آن در زمره روزه های مستحبی دلیلی ندارد.

[۳۲] گرفتن ۶ روز روزه بعد از عید فطر بدون فاصله و متوالی استحباب دارد (شهید ثانی، الروضة البهیه، ۱۳۵ / ۲).

[۳۳] در فقه شیعه روزه روز اول، سوم و هفتم محرم استحباب دارد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۰ / ۲).

[۳۴] در فقه شیعه روزه روز ۲۷ رجب به خاطر مبعث حضرت محمد ﷺ استحباب دارد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۰ / ۲؛ شهید ثانی، الروضة البهیه، ۱۳۴ / ۲).

[۳۵] درباره استحباب این دو روز در فقه شیعه در بحث از موارد روزه مستحبی مطلبی یافت نمی شود (طباطبایی، عروة الوثقی، ۶۹ / ۲).

[۳۶] روزه ایام تشریق (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه) فقط برای کسانی که در منا هستند حرام است (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۱ / ۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۸۰ / ۲).

[۳۷] روزه از حائض و نفساء صحیح نمی باشد، نه اینکه روزه گرفتن آنها حرام باشد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۴۶ / ۲).

[۳۸] روزه مریض و هر کسی که روزه برایش ضرر دارد، حرام است (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۲ / ۲).

[۳۹] موارد روزه حرام بیش از این موارد است. در کتاب عروه الوثقی ۱۲ مورد ذکر شده است (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۱ / ۲).

[۴۰] ولی بنا بر نظر شیعه، روزه روز پنج شنبه و جمعه با هم یا جمعه به تنهایی مستحب است (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۰ / ۲).

[۴۱] در فقه شیعه روزه دو روز شنبه و یکشنبه از موارد روزه مکروه شمرده نشده است (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۷۹ / ۲).

موارد روزه مکروه بنا بر نظر شیعه عبارت است از:

۱. روزه روز عاشورا؛

۲. روزه عرفه برای شخصی که ترس از ضعف برای خواندن دعا داشته باشد؛

۳. روزه مهمان بدون اجازه میزبان؛

۴. روزه فرزند بدون اجازه پدر (طباطبایی، عروة الوثقی، ۷۱/۲؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۷۹/۲).

[۴۲] زیرا نیت اگر از ارکان روزه باشد باید داخل در ماهیت روزه باشد، در حالی که نیت می‌تواند بر اولین ماهیت روزه که فجر صادق است، مقدم شود (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۷/۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۸۵/۱۶). پس نیت از شرایط صحت روزه به شمار می‌رود نه از ارکان آن.

[۴۳] مفطر بودن سیگار کشیدن خالی از قوت نیست، بلکه سیگار کشیدن باعث قضا و کفاره می‌شود (نجفی، جواهر الکلام، ۲۳۶/۱۶؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۷/۲). فقهای معاصر، مانند امام خمینی رحمه الله، گلبایگانی، اراکی، فاضل لنکرانی، تبریزی، مکارم شیرازی و نوری همدانی و ... می‌فرمایند: «احتیاط واجب آن است که روزه‌دار دود سیگار را به حلق نرساند (خمینی، توضیح المسائل (محشی)، ۹۰۳/۱).

[۴۴] این حکم تنها منحصر به جماع نیست، بلکه هر کس با علم و اختیار در ماه رمضان روزه‌اش را افطار کند، برای مرتبه اول و دوم فقط تعزیر می‌شود؛ یعنی ۲۵ ضربه شلاق می‌خورد. اگر برای بار سوم روزه‌اش را افطار کند بنا بر نظر اکثر به قتل محکوم می‌شود (نجفی، جواهر الکلام، ۳۰۷/۱۶). لذا آنچه نویسنده آورده، سه اشکال دارد: ۱. این حکم منحصر به جماع نیست؛ ۲. شخص افطار کننده حد نمی‌خورد، بلکه تعزیر می‌شود؛ ۳. در مرتبه سوم و بعد از آن در صورتی که در دو مرحله قبل تعزیر شده باشد، کشته می‌شود و اگر در دفعات قبلی تعزیر نشده بود، فقط تعزیر می‌شود.

[۴۵] روزه مریض در صورتی که برایش ضرری نداشته باشد صحیح می‌باشد، ولی در صورتی که روزه باعث افزایش بیماری یا موجب تأخیر بهبودی و یا موجب بیماری دیگری شود صحیح نمی‌باشد؛ لذا اگر در این شرایط روزه بگیرد، مرتکب گناه شده است (نجفی، جواهر الکلام، ۳۴۵/۱۶).

[۴۶] معیار در تشخیص ضرر، خود شخص است؛ پس معیار فقط پزشک نمی‌باشد (نجفی، جواهر الکلام، ۳۴۶/۱۶).

[۴۷] معیار، نزدیکی زایمان نیست، بلکه معیار، ضرر داشتن روزه برای زن حامله یا فرزند وی می باشد؛ لذا اگر روزه برای هر یک از آنها ضرر داشته باشد، زن می تواند روزه اش را افطار نماید (طباطبایی، عروة الوثقی، ۲/ ۵۲).

[۴۸] معیار در ترک روزه مسافر، سفری است که باعث قصر نماز شود. پس نمی توان گفت روزه به طور کلی بر مسافران واجب نیست (طباطبایی، عروة الوثقی، ۲/ ۵۰).

[۴۹] آخرین زمان نیت روزه مستحبی زمانی است که تا غروب به اندازه نیت وقت باقی باشد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۲/ ۱۱).

[۵۰] روزه روز عاشورا مکروه است به این معنا که ثواب کمی به آن تعلّق می گیرد (طباطبایی، عروة الوثقی، ۲/ ۷۱).

[۵۱] درجات روزه داری:

۱) روزه عام: فقط خودداری از چیزهایی که روزه را باطل می کند. فایده این روزه ساقط شدن قضا و نجات از عقاب است.

۲) روزه خاص: شخص علاوه بر اجتناب از مفطرات، چشم و گوش و زبان و دست و پا و سایر اعضایش را از گناه حفظ می کند؛ آثاری که برای روزه از طرف شارع مقدس وعده داده شده، بر این روزه مترتب است.

۳) روزه خاص الخاص: شخص علاوه بر رعایت شرایط مراحل قبله، قلب خویش را از گرفتاری های دنیوی و هر آنچه غیر خدایی است، حفظ می کند. این درجه انبیاء و صدیقین و مقربان است و روایت امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله که فرمودند: «الصَوْمُ جُنَّةٌ»، اشاره به این روزه است؛ یعنی روزه انسان را از آفت های دنیوی و از عذاب آخرت محافظت می کند (نراقی، جامع السعادات، ۳/ ۳۸۱).

[۵۲] ادعای بدون دلیلی است؛ زیرا عده زیادی از مردم از آثار روزه مطلع نیستند، در حالی که مقید به روزه گرفتن هستند و شاید علت علاقه مردم به روزه همان پابندی آنها به احکام اسلامی باشد.

فهرست منابع

الف) منابع مقاله

(افزون بر آثار بیان شده در مقاله): خلاصه‌ای از احکام فقهی مطابق با مکتب فقهی شافعی در «کتاب مرجع قانون اسلامی»، ث. دبلیو، یوین بول، لایدن - لایپزیک ۱۹۱۰م بیان شده است؛ نک: این کتابشناسی‌ها تا ویراست ۱۹۲۵م.

منابع اصلی عبارتند از: بابهای راجع به روزه در مجموعه‌های «حدیثی و فقهی»، که باید به کتاب «احیاء علوم الدین» غزالی، باب صوم اضافه گردد. برای احادیث روزه، نک: ونسینک، cit. op. و همو، فهرست الفبایی و موضوعی سنت اسلامی، لایدن ۱۹۳۶م و پس از آن. همچنین نک: کی. وگتن دانک، روزه در قرآن، لایدن ۱۹۶۸م؛ کی. لچ، تاریخ فرهنگ اسلامی، ج ۱، روزه ماه رمضان، ویسبادن ۱۹۷۹م؛ و به ویژه کتابشناسی‌های راجع به حدیث، حج، متعه، عید فطر، به ضمیمه رمضان و عمره.

ب) منابع ناقد

۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن فارسی، احمد، معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۵. خمینی، سید روح‌الله، توضیح المسائل (محشی)، چاپ هشتم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۶. خمینی، سید مصطفی، کتاب الصوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، [بی تا].
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم، بیروت - الدار الشامیة، سوریه، ۱۴۱۲ ق.
۸. زمخشری، محمود، الکشاف، چاپ سوم، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

١١. طباطبائي، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، چاپ دوم، اسماعيليان، قم، ١٤١٢ ق.
 ١٢. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٢ ق.
 ١٣. عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على، الروضه البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه، كتابفروشى داورى، قم، ١٤١٠ ق.
 ١٤. عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم، ١٤١٣ ق.
 ١٥. فخر رازى، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، چاپ سوم، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٠ ق.
 ١٦. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، منشورات دار الرضى، قم، [بى تا].
 ١٧. مكارم شيرازى، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، چاپ سى و يكم، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ١٣٧٣ ش.
 ١٨. موسوى خويى، سيد ابو القاسم، المستند فى شرح العروة الوثقى، [بى نا]، [بى جا]، [بى تا].
 ١٩. نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، چاپ هفتم، دار الاحياء التراث العربى، بيروت، ١٩٨١ م.
 ٢٠. نراقى، محمد مهدي، جامع السعادات، مؤسسه اعلمى للمطبوعات، بيروت، [بى تا].
21. Gibb, H. A. R., J. H. Kramers, E. Levi-Provencal, J. Schacht, eds., The Encyclopaedia of Islam (EI), Leiden: E. J. Brill, 1997.